



بیانات در دیدار جمعی از مداحان اهل بیت (علیهم السلام)

11 / فروردین / 1395

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على سيدنا و نبينا ابي القاسم المصطفى محمد و آله الاطيبين الاطهرين المنتجبين الهداة المهديين المعصومين. اللهم صل على فاطمة و ابيها و بعلها و بنيتها صلواتك و صلوات ملائكتك و اوليائك عليهم.

تبریک عرض میکنم روز عید مبارک را و تشکر میکنم از برادران عزیزی که برنامه اجرا کردند و جداً ما استفاده کردیم و لذت بردیم. این سرود آخر جلسه هم هر سال حُسن ختامی است برای این جلسه که جناب آقای سازگار این سرود را هر سال انشاء میکنند؛ امسال خیلی هم خوب اجرا شد؛ مضامین خوب، مفاهیم خوب، درس، تعلیم، تذکر.

در این جلسه که شما برادران عزیز حضور دارید -البته خواهران گرامی هم هستند- خطاب من بیشتر به شما برادرانی است که به افتخار مداحی و ذاکری سیدالشهداء (سلام الله علیه) و اهل بیت (علیهم السلام) مفتخرید. الحمدلله کمیّت مداحان -بخصوص جوانان- در این عرصه کمیّت بسیار مطلوب و زیاد و خوبی است، کیفیتها هم در بعضی از جاها واقعاً خوب است. این مسئله‌ی مداحی در کشور ما یک پدیده‌ای است؛ شبیه این را ما در هیچ جای دیگری نداریم. البته اختصاصات جامعه‌ی شیعه و چیزهای اختصاصی که در سایر جوامع اسلامی و غیر اسلامی نیست، متعدّد است؛ خود اصل عزاداری مثلاً یا اصل مصیبت‌خوانی برای اهل بیت (علیهم السلام) که معمولاً همراه است با موعظه و نصیحت و [بیان] معارف و مسائل روز و بیانات گوناگون و هرچه اقتضای هر زمانی میباشد، جزو اختصاصات شیعه است و از زمان ائمه (علیهم السلام) تا امروز ادامه داشته است؛ در جاهای دیگر نیست و خلأش را احساس میکنند. خلأش را در جاهای دیگر احساس میکنند و سعی میکنند یک جوری پر کنند و نمیشود. لکن این پدیده‌ی مداحی و نغمه‌سرایی در باب مدح و مصیبت و مرثیه و ذکر و امثال اینها هم یکی از اختصاصات است؛ این هم جای دیگری نیست و به این شکل وجود ندارد؛ به این عمومیت و به این وسعت -چه وسعت از لحاظ کمیّت، چه وسعت از لحاظ معانی و مفاهیم و مانند اینها- نیست. این پدیده درخور کار علمی است؛ یعنی واقعاً جا دارد دانشجویان ما، اساتید ما، محققین ما بنشینند و روی این پدیده فکر کنند، کار کنند؛ هم تفسیر و تحلیل کنند، هم راه‌های علمی گسترش این را به ما نشان بدهند و یاد بدهند. ما در واقع دست‌کم گرفتیم این پدیده را؛ خیلی پدیده‌ی مهمی است. خب، ما بحمدالله این توفیق را داشتیم، این فرصت را داشتیم که در طول این سی و چند سال گذشته مثل امروز، هر سال این جلسه را با برادران مداح تشکیل دادیم. شاید در بین شما جمعیت، کسانی که عمرشان از عمر این جلسه کمتر است، کم نباشند. سی و چند سال است که این جلسه برقرار است. پس فرصت خوبی است برای اینکه راجع به این پدیده یک مقداری صحبت کنیم.

درباره‌ی حضرت زهرا (سلام الله علیها) -این را نه به عنوان اینکه آدم بخواهد جزو حرفهای متعارف و معمول که میزنند، بر زبان جاری کند- حقاً و انصافاً ماها قاصریم، حقیرتر از آن هستیم که بخواهیم از آن مقام با عظمت سخن



بگوییم؛ از حقیقت نوری آن بزرگوار و امثال ایشان از ائمه‌ی معصومین، زبان ماها، بیان ماها، فهم ماها کوتاه‌تر از این است که بتوانیم در این زمینه‌ها صحبت کنیم. خَلَقَكُمْ اللَّهُ أَنْوَارًا فَجَعَلَكُمْ بَعْرَشِهِ مُحَدِّقِينَ؛ (۲) قضیه‌ی انوار ائمه‌ی معصومین (علیهم‌السلام) این است؛ دیگر حالا ما چه می‌خواهیم بگوییم؟ لکن در زمینه‌ی سیره‌ی این بزرگواران و رفتارهای آنها و اسوه بودن آنها به‌عنوان یک بشر، چرا، حرف زیاد هست. خیلی حرفها را هم زده‌اند؛ بعضی از برادران هم در شعرهای امروزتان اشاره کردید. میدان هم برای حرف زدن زیاد است. در این زمینه چند جمله‌ای عرض میکنیم.

ما باید راجع به حضرت زهرا (سلام‌الله‌علیها) از این نگاه دوّم، یعنی اسوه بودن و مثال بودن نگاه [کنیم]. خدای متعال در قرآن راجع به دو زن به‌عنوان اسوه‌ی مؤمنین و دو زن [به‌عنوان] نمونه‌ی کافرین -ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَاتٍ فِرْعَوْنَ، (۳) و بعد از یک آیه: وَ مَرِيَمَ ابْنَتِ عِمْرَانَ (۴)- مثال زده است و برای مؤمنین -نه برای زنهای مؤمن؛ مرد و زن- دو نمونه آورده است. با این نگاه میشود به این بزرگواران نگاه کرد به‌عنوان نمونه و از آنها درس گرفت. خب، فاطمه‌ی زهرا (سلام‌الله‌علیها) صدیقه‌ی کبرا است در میان صدیقین و صدیقات، کبرا یعنی بزرگ‌ترین صدیقه است این بزرگوار.

حالا می‌خواهیم از ایشان درس بگیریم؛ زنها هم درس بگیرند، مردها هم درس بگیرند؛ همه -عالم و جاهل- درس بگیرند. ببینیم درباره‌ی این بزرگوار در کلمات ائمه‌ی معصومین، آنچه ذکر میشود از مداخل، چه چیزهایی است. در زیارت امام رضا (علیه‌السلام) وقتی نوبت به حضرت زهرا میرسد برای صلوات -آن زیارتی که سر تا پا صلوات است- [می‌گوید]: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى فَاطِمَةَ بِنْتِ نَبِيِّكَ؛ (۵) این یک خصوصیت. خب، این خصوصیت خیلی مهمی است؛ البته قابل تأسی نیست؛ همه دختر پیغمبر نمیشوند؛ اما انتساب به پیغمبر به‌صورت دختر او، نشان‌دهنده‌ی رفعت مقام است. وَ زَوْجَةٍ وَّلِيِّكَ، این هم دوّمی؛ البته این هم قابل دست‌گیری نیست و همه نمیتوانند زوجه‌ی ولیّ خدا بشوند؛ اما رفعت مقام، رفعت شأن و جاه و جلال این بزرگوار را نشان میدهد. وَ أُمُّ السَّبْطَيْنِ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ سَيِّدِي شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ؛ جنبه‌ی کاربردی این [خصوصیت]، بیشتر از آن دو صفت قبلی است؛ جنبه‌ی کاربردی تربیت سبّطین. سبّطینی که «سَيِّدِي شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ» هستند، مادرشان این بزرگوار است؛ دامان پاکیزه‌ی این مادر است که توانسته اینها را تربیت بکند. این آن چیزی است که میتواند برای ما به‌عنوان الگو، به‌عنوان اسوه مطرح بشود.

بعد، «الطَّهْرَةَ الطَّاهِرَةَ الْمُطَهَّرَةَ النَّقِيَّةَ النَّقِيَّةَ الرَّضِيَّةَ الرَّكِيَّةَ» (۶) که همه‌ی اینها کاربردی است؛ طهارت، با سه بیان که البته این سه بیان «طهر»، «طاهر»، و «مطهر» تفاوت‌هایی از لحاظ معنا با هم دارند. البته [هر] سه تعبیر اشاره‌ی به طهارت و پاکیزگی است: طهارت روح، طهارت دل، طهارت مغز، طهارت دامن، طهارت سرتاسر زندگی. خب این کاربردی است، این برای ما درس است؛ باید سعی کنیم خودمان را پاکیزه کنیم، باید تطهیر کنیم خودمان را؛ بدون طهارت باطن نمیشود به مقامات رسید؛ به حریم ولایت این بزرگوارها هم نمیشود رسید؛ طهارت باطن لازم است. طهارت باطن، با تقوا است، با ورع است، با ملاحظه است؛ ملاحظه‌ی دائمی و مراقبت دائمی از خود طهارت به‌وجود می‌آورد. خب البته انسان جایز‌الخطا است و ممکن است بر ما سیاهی‌هایی عارض بشود اما راه پاک کردن آن سیاهی‌ها را هم خدا به ما نشان داده، یاد داده: توبه، استغفار. استغفار کنیم؛ استغفار، یعنی عذرخواهی کردن؛ «استغفر الله»، یعنی خدایا عذر می‌خواهم، معذرت می‌خواهم. واقعا، قلباً از ته دل از خدای متعال معذرت بخواهیم؛ این استغفار است، این پاک میکند آن سیاهی را و آن لکه را. خب، الطَّهْرَةَ الطَّاهِرَةَ الْمُطَهَّرَةَ النَّقِيَّةَ، همان تقوا؛



التَّقِيَّةَ، آن تفاوت و پاکیزگی باطنی و قلبی؛ اینها خصوصیات فاطمه‌ی زهرا (سلام‌الله‌علیها) است. ما اینها را بایستی به‌عنوان الگو، به‌عنوان اسوه، در نظر داشته باشیم و خودمان را به آن نزدیک کنیم.

خب، حالا شما به‌عنوان مدّاح وقتی میخواهید راجع به فاطمه‌ی زهرا (سلام‌الله‌علیها) صحبت کنید، اینها را باید بگنجانید در بیاناتتان، در شعرتان، در مدیحه‌تان. بله، مقامات معنوی ائمه (علیهم‌السلام) و فاطمه‌ی زهرا (سلام‌الله‌علیها) وقتی گفته میشود، دل مستمع روشن میشود، وقتی که شما مقامات معنوی را میخوانید، دل انسان روشن میشود، حالت حضوری پیدا میکند، حالت خضوعی پیدا میکند، این خیلی خوب است، اینها به جای خود محفوظ و لازم است لکن کافی نیست. حالا که حالت حضور پیدا شد، حالا که دلتان روشن شد، باید درس بگیریم؛ درس در این جملاتِ کاربردی است؛ یعنی بایستی کوشش بشود در هر منبری - چه در فاطمیّه، چه در عاشورا، چه در اوقات دیگر - درس از ائمه (علیهم‌السلام)، درس انسان شدن، درس کامل شدن، درس تقرب الی‌الله گنجانده بشود. ما باید درس بگیریم، یاد بگیریم. صرف محبت کافی نیست. البته محبت کارساز است اما کافی نیست، ولایت لازم است. ولایت یعنی توتلی کردن، دنباله‌روی کردن، دست به دامن اینها زدن؛ راهی را که اینها رفته‌اند انسان آن راه را برود؛ این لازم است.

این یک نکته است که به نظر بنده در کار مدّاحی - بخصوص گویندگان، به‌معنای شعرایی که شعر می‌سازند - مورد توجه باید قرار بگیرد: گاهی انسان میبیند که فضائلی را ذکر میکنند که حالا در هیچ روایتی و در هیچ جمله‌ای از معصوم هم این فضیلت وجود ندارد [و درواقع] فضیلتی هم نیست. گفت: «آنکه بسنجید رُخت را به ماه ز اشتباه» در واقع از قیمت تو کاست؛ (۷) به ماه تشبیه کردن و به خورشید تشبیه کردن چیزهایی نیست که ارزشی برای آن مُشَبَّه به وجود بیاورد، آن هم مثل این بزرگوارانی که مقامات معنوی‌شان، مقامات الهی‌شان آن‌چنان است که چشم اهل معنا را خیره میکند، چه ماها که آن چشم را هم نداریم که بخواهیم بفهمیم. گاهی هم کلیاتی گفته میشود که از آن چیزی فهمیده نمیشود و مستمع استفاده‌ای نمیکند. پس من جمله‌ی اوّلم به شما برادران عزیز این است که در مدح این بزرگواران - چه حضرت زهرا (سلام‌الله‌علیها)، چه ائمه‌ی هدا (علیهم‌السلام) - حتماً از مباحث کاربردی‌ای که در زندگی اینها هست استفاده بشود.

یک نکته‌ی دیگری که خوشبختانه امروز در جامعه‌ی مدّاح تا حدود زیادی رواج دارد، توجه به مسائل جاری روز است که خب امروز اینجا شنیدید در بخشهای مختلفی راجع به مدافعین حرم و مسائل جاری روز؛ اینها خیلی مسائل مهمّی است، اینها مسائل اساسی‌ای است؛ نباید خیال کنیم که اینها از حیطة تدبیر ما خارج است. خب شما ببینید پیغمبر اکرم که سید خلق عالم است و برتر از این بزرگوار هیچ موجودی را خدای متعال نیافریده است و آورنده‌ی همین دین و همین اسلامی است که ما امروز مدعی‌اش هستیم، در زمینه‌ی مسائل جاری سیاسی کشورش - همان کشوری که آن روز وجود داشت و کشور کوچکی بود - این بزرگوار چقدر تلاش میکرد، چقدر زحمت میکشید. پیغمبر اکرم نمی‌نشست فقط احکام نماز و روزه و توجه و عبادت و نماز شب را به مردم یاد بدهد؛ نه، در همین مسجد مردم را جمع میکرد، آنها را به جهاد دعوت میکرد، آنها را به وحدت دعوت میکرد، آنها را به آگاهی در مقابل دشمن دعوت میکرد؛ همین حرفهایی که امروز برای من و شما مطرح است. مسائل روز مسائلی نیست که بشود از آن صرف‌نظر کرد.

ببینید؛ یک نظامی در عالم وجود دارد: نظام استکبار، نظام زورگویی، نظام ظلم؛ البته از قدیم هم همین نظامها



بوده است، منتها امروز مدرن شده است، با تجهیزات نو مجهز شده. قدرتهای برتر به ملت‌ها زور می‌گویند؛ [این] زور گفتن هم حد و اندازه‌ای ندارد؛ اگر اموالی دارند، می‌گیرند؛ اگر نیروی انسانی قابل‌داری دارند، از آنها می‌دزدند؛ اگر استعدادی در آنها هست که آنها را تهدید میکند و رقیب برای آنها می‌تراشد، آن استعداد را خفه می‌کنند؛ زورگویی انواع و اقسامی دارد. امروز این زورگویی در دنیا وجود دارد؛ نظام بین‌الملل جهانی که اسمش را گذاشته‌اند جامعه‌ی جهانی، یعنی نظام زورگویی؛ و الا مراد از جامعه‌ی جهانی، دولت‌ها و ملت‌های دنیا که نیستند؛ دولت‌ها و ملت‌های دنیا بیزارند از شکل این چند قدرت برتر دنیا که خودشان را می‌گویند جامعه‌ی جهانی. جامعه‌ی جهانی یعنی همین: افرادی که مبنای کارشان زورگویی به همه‌ی ملت‌ها و همه‌ی کشورها و همه‌ی اینها است. و ما که در جمهوری اسلامی هستیم، هم قبل از نظام جمهوری اسلامی در دوران رژیم طاغوت، نمونه‌هایش را یک جور دیده‌ایم، هم بعد از تشکیل نظام جمهوری اسلامی نمونه‌هایش را یک جور دیگر دیده‌ایم؛ یک نظامی امروز در دنیا به این شکل وجود دارد. این نظام ناراضی هم زیاد دارد؛ خیلی از ملت‌ها ناراضی‌اند؛ منتها از ملت‌ها که کاری بر نمی‌آید؛ صدای ملت‌ها را کسی نمی‌شنود؛ نه رسانه به آن صورت در اختیارشان است، نه اصلاً [حرف آنها] جایی حساب میشود؛ حالا گیرم مثلاً ده‌هزار نفر هم در یک واحد الکترونیکی مثلاً رسانه‌های الکترونیک و مانند اینها با هم جمع شدند و یک حرفی زدند، یا جمع شدند در خیابان‌ها راه رفتند؛ حالا که چه؟ در قضیه‌ی حمله‌ی آمریکا به عراق در [کمتر از] پانزده شانزده سال قبل از این در همه‌ی این خیابان‌های پاریس و بعضی کشورهای اروپایی دیگر، راه‌پیمایی راه افتاد در مخالفت با آمریکا؛ چه اثری کرد؟ ملت‌ها به خودی خود که کاری نمیتوانند انجام بدهند؛ دولت‌ها هستند که اگر چنانچه پشتیبانی ملت‌هایشان را داشته باشند، میتوانند حرفی بزنند و این حرف در دنیا مطرح بشود؛ چنین دولتی هم در دنیا نیست؛ دولتهایی هستند [ولی] می‌ترسند؛ ناراضی‌اند [ولی] می‌ترسند. من به‌نظرم در صحبت اول سال (۸) این را گفتم که رؤسای رژیم طاغوت هم خیلی اوقات از کارهای آمریکا ناراضی بودند. در خاطرات این بازماندگان‌شان که آدم نگاه میکند، میبیند یک جاهایی خیلی هم ناراضی‌اند و در خلوت بدگویی هم میکنند به آنها اما جرئت نمیکنند مخالفت کنند؛ به‌عنوان دولت، به‌عنوان واحد سیاسی و مدیریت جامعه جرئت نمیکنند. امروز در دنیا این جور است؛ خیلی‌ها ناراضی‌اند اما جرئت نمیکنند مخالفت کنند.

یک نظامی در دنیا، در این بلبشو، در این جنگل به هم ریخته‌ی به هم آمیخته و ظلم و زور، به وجود آمده است که یک پایه‌هایی دارد که این پایه‌ها درست نقطه‌ی مقابل آن چیزی است که امروز نظام جهانی بر آن استوار است؛ نقطه‌ی مقابل ظلم است، نقطه‌ی مقابل استثمار است، نقطه‌ی مقابل جنگ طلبی است، نقطه‌ی مقابل فساد است؛ آن نظام، نظام جمهوری اسلامی است. این نظام براساس اسلام، براساس دین، براساس تفکرات اسلامی ناب به وجود آمده و یک جماعتی هم از اول در رأس این نظام قرار گرفتند که طبیعت اینها این است که از قدرتهای بزرگ نمی‌ترسند و آن روحانیونند. این را خود تحلیل‌گرها و جامعه‌شناس‌های غربی، امروز می‌گویند؛ از اول انقلاب هم می‌گفتند؛ می‌گفتند این آخوندها نمی‌ترسند از ما. [البته] بعضی‌هایشان ممکن است وابسته هم باشند و هستند، اما طبیعت نظام آخوندی در جامعه‌ی شیعه، یک چنین طبیعتی است. حالا اتفاقاً اینها در رأس این نظام قرار گرفته‌اند. مردم هم که همراهی میکنند. مردم هم اولاً مردم با استعدادی‌اند، ثانیاً جوان در بین اینها زیاد است - جمعیت ما از ۳۵ میلیون در اول انقلاب، حالا تقریباً رسیده به ۸۰ میلیون؛ یعنی جمعیت ناگهان افزایش پیدا کرده است؛ اگرچه علیه آن [هم] دارند کار میکنند - استعداد زیاد است؛ شجاع هم هستند، نترس هم هستند. خب، وقتی که یک کشوری است که مردم این جور فکر میکنند، سردمداران حکومت هم نمی‌ترسند از هیمنه‌ی (۹) جهانی، این برای استکبار یک خطر عمده است، یک خطر کاملاً بزرگ است. لذا جبهه علیه آن تشکیل میشود؛ کما اینکه الان علیه جمهوری اسلامی جبهه تشکیل شده؛ نه حالا [بلکه] از روز اول انقلاب جبهه تشکیل شده؛ یک جبهه‌ی دشمن به وجود آمده. آن روز شوروی



بود و آمریکا که نقطه‌ی مقابل هم بودند و [اگر] در صد مسئله - با کم و زیادش - با هم اختلاف داشتند اما در مسئله‌ی جمهوری اسلامی و مخالفت با جمهوری اسلامی، همفکر و همدست بودند. یعنی طبیعت استکبار این است که با یک چنین نظامی دشمنی میکند.

[پس] یک جبهه تشکیل دادند که این جبهه امروز هم وجود دارد و از انواع و اقسام شیوه‌ها هم دارد استفاده میکند؛ همچنان که فرض کنید بیست سال پیش اینترنت نبود، امروز هست؛ ابزارها روزبه‌روز دارد پیشرفته میشود. از بیشترین ابزارها و وسیع‌ترین و سریع‌ترین ابزارها علیه جمهوری اسلامی دارند استفاده میکنند؛ جمهوری اسلامی [هم] باید خودش را آماده کند از همه‌ی ابزارها استفاده کند. [دشمن] از ابزار دیپلماسی استفاده میکند. دیپلماسی، گفتگوی سیاسی، مذاکره‌ی سیاسی، بده‌بستان سیاسی یکی از ابزارها است؛ اینها از آن ابزار استفاده میکنند. بنده هم با گفتگوی سیاسی مخالف نیستم؛ البته نه با همه - استثناء دارد - بنده در سطح مسائل جهانی، با گفتگوی سیاسی موافقم؛ من در این زمینه‌ها از زمان ریاست جمهوری حرف داشتم و دنبال‌گیری میکردم؛ این جور وانمود نکنند که کأنه ما اصلاً با گفتگو کردن و مانند آن مخالفیم؛ نخیر، ما، هم بیشتر از اینها موافقیم، هم در یک جاهایی بیشتر از اینها بلدیم این کارها را؛ میدانیم هم که چه‌جوری باید عمل کرد. دشمن از گفتگوی سیاسی هم استفاده میکند. باید مراقب بود.

پس، از مذاکره استفاده میکنند، از مبادلات اقتصادی استفاده میکنند، از تحریم اقتصادی استفاده میکنند، از تهدید به جنگ و سلاح استفاده میکنند؛ در مقابل همه‌ی اینها بایستی نیروی دفاعی داشت.

اینکه بعضی‌ها بیایند بگویند «فردای دنیا، فردای مذاکره است، فردای موشک نیست»، این حرف اگر از روی ناآگاهی گفته شده باشد، خوب ناآگاهی است، اگر از روی آگاهی گفته شده باشد، خیانت است. چطور [چنین چیزی] ممکن است؟ اگرچنانچه نظام جمهوری اسلامی دنبال علم برود، دنبال فتاوری برود، دنبال مذاکره‌ی سیاسی برود، دنبال کارهای گوناگون تجاری و اقتصادی برود - که همه‌ی اینها لازم است - اما قدرت دفاعی نداشته باشد، توانایی دفاع کردن نداشته باشد، هر بی‌سروپایی و [هر] دولت فزرتی (۱۰) کذائی‌ای او را تهدید میکند که اگر فلان کار را نکردید، ما موشک میزنیم؛ خوب اگر شما امکان دفاع نداشته باشید، مجبورید عقب‌نشینی کنید.

قدرتهای دنیا که شما می‌بینید با صدای کلفت حرف میزنند، زور می‌گویند، غلط میکنند، حرفهای بد میزنند و زورگویی میکنند، بیشتر از همه به استناد همان سلاحهایی است که دارند؛ آن وقت ما در مقابل اینها بیاییم دست خودمان را خالی کنیم؟ سپاه که پیشرفتهای موشکی خودش را نشان میدهد، نه فقط مایه‌ی افتخار و مباهات ایرانی‌ها [است، بلکه] وقتی این موشکهای سپاه با این دقت و با این زیبایی آزمایش میشود، خیلی از ملت‌های آزادی‌خواه دُروبر ما که دلشان از آمریکا و از رژیم صهیونیستی خون است، خوشحال میشوند. وقتی اینها انجام میگیرند، ما بیاییم اینها را بگوییم و بگوییم آقا! امروز دیگر روز موشک گذشته! نه، روز موشک نگذشته. دشمن دائم در حال به‌روز کردن خود و آماده کردن خود است، [بعد] ما اینجا ساده‌لوحانه خودمان را عقب بکشیم و بگوییم نه. مثل اول انقلاب که همین اف‌چهارده‌های ما را میخواستند بفروشد و میخواستند پس بدهند و بنده نگذاشتم. من خبر شدم که یکی از رجال دولت موقت آن روز گفته است این اف‌چهارده‌هایی که رژیم طاغوت خریده به درد ما نمیخورد، می‌خواهیم چه کار کنیم این اف‌چهارده‌ها را! پس بدهیم بهشان. آنجا خوب ما ایستادیم، هیاهو کردیم، مصاحبه کردیم و مقابله کردیم، جرئت نکردند این کار را بکنند؛ میخواستند پس بدهند. چند صباح بعدش، جنگ



ایران و عراق پیشامد کرد و حمله کردند به ما و معلوم شد که ما چقدر احتیاج داریم به همین وسایلی که داریم؛ همین اف چهارده و همین اف چهار و امثال اینها. امروز هم بعضی‌ها همین آهنگ را پیش گرفته‌اند که موشک چیست، موشک می‌خواهیم چه کار کنیم، روزگار روزگار موشک نیست! پس روزگار چیست آقا؟

[امروز] روزگار همه چیز است. روزگار مذاکره هم هست؛ باید در مذاکره قوی بود و جوری باید مذاکره کرد که بعد سرمان کلاه نرود. اینکه ما مذاکره بکنیم، روی کاغذ بیاوریم، بنویسیم، امضا کنیم، بعد آنها هم به حسب ظاهر یک کاری انجام بدهند منتها تحریمها برطرف نشود و تجارت راه نیفتد، پیدا است که یک اشکالی در آنجا هست؛ نباید بگذاریم این اشکالات به وجود بیاید و در آنجا هم باید خودمان را قوی کنیم. در اقتصاد درون کشور هم همین جور؛ ما گفتیم اقدام و عمل. (۱۱) گفتن بس است؛ «دو صد گفته چون نیم کردار نیست». وقتی زیاد هم تکرار کردیم و مدام گفتیم اقتصاد مقاومتی، از ذهن هم می‌افتد؛ یعنی تکراری که شد، یک چیز کسالت‌باری هم میشود؛ عمل کنیم. غرض این است که کشور احتیاج دارد.

اینها همه یک طرف قضیه است، کار و تلاشی [هم] که دشمن میکند برای تغییر باورهای مردم یک طرف قضیه است. اینجا آن وقت شما نقش ایفا میکنید، نقش پیدا میکنید؛ نقش مهم. شما از مدافع حرم هم که دفاع میکنید، خیلی کار باارزشی است. همین شعرهایی که خوانده شد، همین حرفهایی که زده شد، اینها خیلی باارزش است، در این تردیدی نیست - کما اینکه در دوران دفاع مقدس، همین شعرهایی که خوانده میشد و همین سرودهایی که گفته میشد، خیلی تأثیر داشت؛ این بلاشک امروز هم این تأثیر را دارد - منتها در کنار این یک کاری هست که آن کار اگر اهمیتش بیشتر نباشد، کمتر نیست؛ و آن تقویت باورهای جوانها است. دشمن میخواهد باورها را تغییر بدهد؛ باور به اسلام را، باور به کارآمدی نظام اسلامی را، باور به کارآمدی راه، باور به امکان تداوم نظام اسلامی را. برخلاف بدیهیات هم دشمن کار میکند و تبلیغات میکند؛ گاهی علیه یک چیز واضح هم اقدام میکنند و کأته با خدعه و با فریب و با چشم‌بندی میخواهند ثابت کنند. نظام اسلامی از روزی که متولد شده تا امروز، دائم در معرض حملات سنگین بوده؛ حملات سنگین نظامی و تبلیغاتی و تحریم و امثال اینها و درعین حال، نظام اسلامی در این ۳۷ سال رشد کرده؛ یعنی یک روز نبوده است که توقف پیدا کند؛ از همه جهت رشد پیدا کرده، از همه جهت قدرت پیدا کرده و عظمت پیدا کرده. دشمن امروز نگاه میکند و میبیند آن نهال باریک و نازکی که اول انقلاب به وجود آمد، امروز به یک درخت تناور تبدیل شده که «تَوْتَى اَكْلَهَا كُلَّ حَيْنٍ يَأْذَنُ رَبِّهَا»؛ (۱۲) این را دارند جلوی چشمشان می‌بینند. خب این [نظامی] که این قدر استعداد زنده ماندن، استعداد گسترش یافتن و استعداد قوی شدن در او هست، بعد از این هم همین جور قوی‌تر خواهد شد، روزبه‌روز قوی‌تر خواهد شد. آن چیزهایی که ما برای چشم‌انداز آینده در نظر گرفته‌ایم خیالات نیست، واقعیات است. بنده سه چهار سال قبل از این، به جوانهای دانشجو و اهل علم گفتم که شما باید کاری کنید که پنجاه سال بعد، اگر کسی خواست به تازه‌های علمی آن روز دست پیدا کند، مجبور بشود بیاید زبان فارسی یاد بگیرد؛ (۱۳) این میشود، این ممکن است؛ کما اینکه در این ده پانزده سال، حرکت علمی و پیشرفت علمی همانی که گفته بودیم شد. وقتی جوانها همت کنند، وقتی صاحبان همت و اراده همت کنند، همه‌ی کارهای دشوار آسان خواهد شد؛ ما میتوانیم پیش برویم. درعین حال، دشمن دارد روی باورهای جوانهای ما اثر میگذارد: «آقا چه فایده دارد، نمیشود، فایده‌ای ندارد». اینها آن میدانهایی است که جنگ روانی دشمن در این میدانها است و شما به‌عنوان مدّاح، میتوانید اثر بگذارید، میتوانید این جوان را از لحاظ بنیه‌ی فکری تقویت کنید.

این که بنده گاهی اوقات اعتراض میکنم به بعضی از مدّاحی‌ها که مثلاً فرض کنید در عزاداری دهه‌ی محرّم وقتی



انسان نگاه میکند - که گاهی می‌آورند عکسهایش را ؛ حالا هم که دیگر این وسایل زیاد شده ؛ البته بنده ندارم اما گاهی می‌آورند به من نشان میدهند این عکسها و مانند اینها را - میبیند مثلاً در یک جلسه همه دارند همین‌طور میپرنند هوا و می‌آیند پایین ؛ خب، این چه فایده‌ای دارد؟ این چه تأثیری دارد؟ کجای این عزاداری است؟ اینکه من اعتراض میکنم، از هیجان جوانها بنده ناراحت نیستم ؛ خب جوان اهل هیجان است، جوان منبع انرژی است و دائماً دلش میخواهد انرژی خودش را تخلیه کند ؛ من از این باب [میگویم] که این وظیفه‌های بزرگ زمین نماند. وقتی که در یک جماعتی ده هزار جوان یا پنج هزار جوان جمع شدند و دلشان را دادند به شما، شما میتوانید با یک اجرای عالی، هنرمندانه و پُر مغز، اینها را تبدیل کنید به انسانهای کارآمدی که با عزم جزم بروند دنبال کار، میتوانید هم تبدیل کنید به آدمهای بی‌خیال، بی‌فکر، ناامید و از لحاظ معنوی تهیدست ؛ این کار را هم میشود کرد. شما از این فرصت استفاده کنید و آن شقّ اوّل را انتخاب کنید. حرف من این است.

مدّاحی ضمن اینکه مدح بهترین خلائق عالم است - موضوعش مدح بهترین خلائق عالم است که اهل بیت (علیهم‌السلام) باشند لذا شأن و رفعت والایی دارد ؛ مدّاحی به‌طور طبیعی این است - اما شما نگاه کنید ببینید مثلاً شاعری مثل دعبل خزاعی در قصیده‌ی «مدارس آیات» چه دارد میگوید ؛ قصیده‌ی «مدارس آیات» آن قصیده‌ای [است] که حضرت [رضا (سلام‌الله‌علیه)] تشویق کردند و به او کسوه (۱۴) دادند و صلّه دادند. این قصیده‌ای است که اصلاً بساط بنی‌عبّاس را، فلسفه‌ی وجودی بنی‌عبّاس را زیر سؤال میبرد و آنها را محکوم میکند ؛ یعنی سیاسی محض است ؛ فقط این نیست که یک روضه‌خوانی محض و مرثیه‌خوانی محض باشد ؛ نه، مرثیه‌خوانی لازم است اما همان کاری که در کنار مرثیه‌خوانی انجام میگرفته، مورد توجه ائمّه (علیهم‌السلام) است. قصیده‌ی دعبل، قصیده‌ی کمیت، قصائد گوناگون که شعرای آن وقت میگفتند، دیگران هم میخواندند و انشاد میکردند یعنی مثل شما که با صدا میخوانید، چه خود شاعر، چه دیگری، می‌آمدند و آنها را با صدا برای مردم میخواندند ؛ وسایل تبلیغات جمعی عبارت بود از همینها ؛ امروز شما از همینها میتوانید استفاده کنید ؛ از وسایل تبلیغات جمعی بهره‌مند بشوید و مردم را هدایت کنید ؛ این به نظر من کار بسیار اساسی‌ای است.

معروف است که میگویند شرف هر علمی بستگی دارد به شرف موضوع آن علم ؛ هر علمی که موضوع آن شرافت بیشتری دارد، آن علم هم شرافت بیشتری دارد. حالا اگر این را از علم به مشاغل تسرّی بدهیم، موضوع مشغله‌ی شما و کار شما و همّت شما عبارت است از مدح اهل بیت (علیهم‌السلام) و بصیرت‌افزایی و بیدارگری مستمعین ؛ بالاترین چیزها است، خیلی باارزش است، از این ارزش استفاده کنید. بحمدالله جمعیت مدّاحها هم زیاد است ؛ حالا این جماعتی که امروز اینجا تشریف آوردید که جماعت قابل توجهی است لکن تعداد خوانندگان مدّاح در سرتاسر کشور بیش از اینها است ؛ تعداد در همه‌جا بحمدالله خیلی زیاد است ؛ افرادی هستند که علاقه‌مندند و به این کار میپردازند ؛ به‌رحال این یک رسالت بسیار مهم است، به این رسالت باید اهمیّت بدهید. البته نقش مهمی هم شعرا ایفا میکنند ؛ شعرا که شعر را میسازند نقش مهمی را ایفا میکنند ؛ منتها شعر بدون اجرای خوب تأثیرش کم است و شما که آن اجرای عالی را، اجرای خوب را انجام میدهید، آن وقت تأثیر میگذارد.

امیدواریم خدای متعال به شماها توفیق بدهد، به ما هم توفیق بدهد و اوّل بتوانیم آنچه وظیفه‌مان است تشخیص بدهیم و بفهمیم و بعد هم ان شاءالله آن را عمل کنیم.

والسلام علیکم ورحمة‌الله



- ۱) در ابتدای این دیدار، شماری از مداحان و شعرا با قرائت اشعار، به ذکر فضائل و محامد فاطمه‌ی زهرا (سلام‌الله‌علیها) پرداختند.
- ۲) من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۶۱۳؛ «خداوند شما را به صورت نورهایی آفریده و گرداگرد عرش خود قرار داده.»
- ۳) سوره‌ی تحریم، بخشی از آیه‌ی ۱۱؛ «برای کسانی که ایمان آورده‌اند، خدا همسر فرعون را مثل آورده ...».
- ۴) سوره‌ی تحریم، بخشی از آیه‌ی ۱۲؛ «و مریم دخت عمران را ...».
- ۵) کامل‌الزیارات، ص ۳۱۰؛ «خدایا درود بفرست بر فاطمه دختر پیغمبرت.»
- ۶) من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۶۰۳
- ۷) اشاره به بیت‌ی از وثوق‌الدوله؛ «آنکه بسنجید رُخت را به ماه ز اشتباه / گفت که هم‌سنگ ترازوی توست از تو کاست»
- ۸) بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم رضوی در مشهد مقدّس (۱۳۹۵/۱/۱)
- ۹) هیبت، عظمت
- ۱۰) کوچک، ناچیز
- ۱۱) اشاره به شعار سال ۱۳۹۵: «اقتصاد مقاومتی؛ اقدام و عمل»
- ۱۲) سوره‌ی ابراهیم، بخشی از آیه‌ی ۲۵؛ «میوه‌اش را هر دم به اذن پروردگارش میدهد ...»
- ۱۳) از جمله بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در هفتمین همایش ملی نخبگان جوان (۱۳۹۲/۷/۱۷)
- ۱۴) جامه و لباس